

آزمون اول (ادبیات عاشقانه)

- ۱- شاعر در دو بیت زیر، کدام ویژگی و صفت بارز را برای شخص گوینده، قابل است؟  
 گر مرا زار به کشتن دهد آن یار عزیز / تا نگویی که در آن دم، غم جانم باشد  
 گویم از بنده‌ی مسکین چه گنه صادر شد / که دل آزرده شد از من، غم آنم باشد  
 (۱) بی‌پناه و ستم‌دیده (۲) خطاکار و شرمسار (۳) پاکباز و مخلص (۴) رستگار و نجات‌یافته  
 (سراسری، هنر ۸۱)
- ۲- مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟  
 (۱) به عشق اندر صبوری خام‌کاری است / بنای عاشقی بر بی‌قراری است  
 (۲) امتحان کرده‌ایم و دانسته / به صبوری گشاده شد بسته  
 (۳) مستی و عاشقیم بُرد ز دست / صبر ناید ز هیچ عاشق مست  
 (۴) صبوری از طریق عشق دور است / نباشد عاشق آن‌کس کاو صبور است  
 (سراسری، زبان ۸۲)
- ۳- بیت «ناز پروردِ تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با همه‌ی بیت‌ها، به‌غیر از بیت  
 ..... نوعی ارتباط مفهومی دارد.  
 (۱) همه سلامت نفس آرزو کند مردم / خلاف من که به جان می‌خرم بلایی را  
 (۲) به جان دوست که دشمن بدین رضا ندهد / که در به روی ببندند آشنایی را  
 (۳) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر / به سر نکوفته باشد در سرابی را  
 (۴) اگر تو جور کنی رأی ما دگر نشود / هزار شکر بگوییم هر جفایی را  
 (سراسری، انسانی ۸۴)
- ۴- اندوه و حسرت نویسنده‌ی «بخارای من، ایل من» از دوری ایل و تبار و بیلاق و بوی شبدر دوچین و صدای  
 بلدرچین، از مفهوم کدام بیت دریافت نمی‌شود؟  
 (۱) امروز خنده طرح به گلزار می‌دهد / آن روز شوم رفت که صائب ملال داشت  
 (۲) آن عهد یاد باد که از بام و در مرا / هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی  
 (۳) آن خوش‌دلی کجا شد و آن دور کو که ما را / دیدار می‌نمودی هر روز یک دو باری  
 (۴) اکنون به دام صد غم و صد محنتم اسیر / آن مرغ خوش‌دلی که تو دیدی پرید و رفت  
 (سراسری، هنر ۸۴)
- ۵- مفهوم «غم» در بیت «دیدی که مرا هیچ کسی یاد نکرد / جز غم که هزار آفرین بر غم باد» با کدام بیت  
 متناسب نیست؟  
 (۱) زین پنج روز عمر که چون برق و باد رفت / غم‌های بی‌شمار به این دلفگار ماند  
 (۲) جان بهر غم است و بی‌غم امکان نبود / هر جان که در او غم نبود جان نبود  
 (۳) شادم به روز غم که غمگسار گشت / که غم چو روی شادی عالم بدیده‌ام  
 (۴) غم را لطف لقب کن ز غم و درد طرب کن / هم از این خوب طلب کن فرج و امن و امان را  
 (سراسری، تهرپی ۸۵)

۶- بیت «بگفتا گر به سر یابیش خشنود؟ / بگفت از گردن این وام افکنم زود» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری، انسانی ۸۶)

- ۱) جان فدای شکر شیرین شورانگیز او / کز فراقش دست بر سر چون مگس باشد مرا
- ۲) در سر من نیست آلا وصل آن دلبر هوس / تا سرم بر جای باشد این هوس باشد مرا
- ۳) خواهم افکندن ز دست دل سر اندر پای دوست / گر ز من بپذیردش این فخر بس باشد مرا
- ۴) بر وصالش یک نفس گر دسترس باشد مرا / حاصل عمر عزیز آن یک نفس باشد مرا

۷- بیت: «آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد / بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو حور» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

(سراسری، زبان ۸۶)

- ۱) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را
- ۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه مُلک لافتی را
- ۳) چو درخت قامتش دید صبا به هم بر آمد / ز چمن نرست سروی، که ز بیخ برنکنش
- ۴) آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست / عالمی دیگر ببايد ساخت وز نو آدمی

(سراسری، هنر ۸۶)

۸- در بیت زیر به همهی مفاهیم به جز مفهوم ..... اشاره شده‌است.

«منم چون شاخ تشنه در بهاران / تویی همچون هوای ابر و باران»

- ۱) نیاز عاشق به معشوق
- ۲) امیدواری به لطف معشوق
- ۳) عشق یک‌طرفه و بی‌وفایی معشوق
- ۴) تحمل سختی‌ها و تلخی‌ها برای کامیابی

(سراسری، انسانی ۸۷)

۹- بیت زیر با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

«کوتاه‌نظر غافل از آن سرو بلند است / کاین جامه به اندازه‌ی هرکس نبریدند»

- ۱) کرم کاندر چوب زاییده است حال / کی بداند چوب را وقت نهال
- ۲) در سرم از عشق گل سودا بس است / زان که مطلوبم گل رعنا بس است
- ۳) طاقت سیمرغ نارد بلبلی / بلبلی را بس بود عشق گلی
- ۴) پشه کی داند که این باغ از کی است / کاو بهاران زاد و مرگش در دی است

(سراسری، تهرینی ۸۷)

۱۰- متن زیر با کدام بیت، تناسب مفهومی ندارد؟

«چه چیز را دشوار پنهان می‌توان داشت؟ آتش را که در روز دودش از راز نپنهان خبر می‌دهد و در شب شعله‌اش پرده‌داری می‌کند. عشق نیز چون آتش است که پنهان نمی‌ماند؛ زیرا هرچه عاشق در رازپوشی بکوشد، باز نگاه دو دیده‌اش از سرّ ضمیر خبر می‌دهد.»

- ۱) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش / ما هیچ نگفتیم و حکایت به در افتاد
- ۲) سعدی ز خلق چند پنهان راز دل کنی / چون ماجرای عشق تو یک‌یک به‌در افتاد
- ۳) پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد / وان راز که در دل بنهفتم به‌در افتاد
- ۴) صاحب‌نظران این نفس گرم چو آتش / دانند که در خرمن من بیش‌تر افتاد

۱۱- بیت «در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۷)

- ۱) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار / هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی
- ۲) پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند
- ۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد / کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی
- ۴) هر که در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست / سوخته داند که چیست پختن سودای خام

۱۲- بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با همه‌ی بیت‌ها، به جز بیت .....

(سراسری، ریاضی ۸۷)

ارتباط معنایی دارد.

- ۱) دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت
- ۲) سعدی ز کمند خوب‌رویان / تا جان داری نمی‌توان جست
- ۳) عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت / به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
- ۴) دیر آمدی ای نگار سرمست / زودت ندهیم دامن از دست

۱۳- بیت «تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم» با کدام بیت، ارتباط

(سراسری، ریاضی ۸۷)

معنایی دارد؟

- ۱) به میخانه گهی مستم، ندانم پای از دستم / گهی بر صومعه با جبه و دستار می‌گردم
- ۲) از پای تا به سر همگی دیده‌ها شوید / حسن و جمال دلکش دلداری بنگرید
- ۳) ز اوصاف جمال او کنم تا نکته‌ای روشن / ز سر تا پا زبان باشم ز پا تا سر بیان گردم
- ۴) جنون عشق سراپای من گرفت از من / چنان که پای ز سر، سر ز تن نمی‌دانم

(سراسری، ریاضی ۸۸)

۱۴- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است در جریده‌ی عالم دوام ما
- ۲) مرگ آشامان ز عشقش زنده‌اند / دل ز جان و آب جان برکنده‌اند
- ۳) بی‌عشق مباش تا نباشی مرده / در عشق بمیر تا بمانی زنده
- ۴) عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف / چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

۱۵- بیت «با من آمیزش او، الفت موج است و کنار / دم به دم با من و پیوسته گریزان از من» با کدام بیت

(سراسری، انسانی ۸۸)

تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) بنای مهر نمودی که پایدار نماند / مرا به بند بیستی خود از کمند بجستی
- ۲) دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی / بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی
- ۳) بستی به مهر با دل من چند بار عهد / از تو نمی‌سزد که کنون عهد بشکنی
- ۴) خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود / ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

۱۶- مفهوم بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با کدام بیت تناسب دارد؟

(سراسری، قارج از کشور ۸۸)

- ۱) تا به خوشی می‌وزد باد خوش نوبهار / جام می خوشگوار گر تو دهی خوشتر است
- ۲) حالت لب تشنه را خضر خبردار نیست / لذت لب تشنگی خاصه‌ی اسکندر است
- ۳) سرّ غم عشق را در دل اندوهناک / هرچه نهان می‌کنی از همه پیداتر است
- ۴) هم دل خسرو شکافت هم جگر کوهکن / کز همه زورآوران عشق تواناتر است

۱۷- همه ابیات به استثنای بیت ..... با هم تناسب معنایی دارند.

(سراسری، ریاضی ۸۹)

- ۱) عمری گذشت در غم هجران روی دوست / مرغم درون آتش و ماهی برون آب
- ۲) چو شمع خنده نکردی مگر به روز سیاهم / چو بخت جلوه نکردی مگر ز موی سپیدم
- ۳) دل هیچ نیارآمد چون عشق بجنید / در آتش سوزنده چه آرام توان یافت
- ۴) گر تو را هست شکیب از من و امکان فراغ / به وصال که مرا طاقت هجران تو نیست

۱۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(سراسری، تهری ۸۹)

- ۱) روان تشنه برآساید از وجود فرات / مرا فرات ز سر برگذشت و تشنه‌ترم
- ۲) به خاک پای تو داند که تا سرم نرم / ز سر بدر نرود همچنان امید وصال
- ۳) گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم
- ۴) گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق / بی‌حاصل است خوردن مستسقی آب را

۱۹- مفهوم بیت «سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات / غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را» در کدام

(سراسری، تهری ۸۹)

گزینه، آمده‌است؟

- ۱) گو خلق بدانند که من رندم و سوا / از رندی و بدنامی خود عار ندارم
- ۲) بلبل از گل بگذرد چون در چمن بیند مرا / بت‌پرستی کی کند گر برهنم بیند مرا
- ۳) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
- ۴) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

۲۰- بیت «لعل را گر مَهر نبود باک نیست / عشق را دریای غم غمناک نیست.» با همه‌ی ابیات به جز بیت

(سراسری، زبان ۸۹)

..... متناسب است.

- ۱) بر چهره‌ی وصفش چه محل زیور تقریر / دریاب که حاجت به بیان نیست عیان را
- ۲) مشاطه‌ی تو جلوه‌ی ناز ای پسر بُود / طاووس را چه حاجت مشاطه‌گر بُود
- ۳) تا تو رفتی ز کنارم به نظرها خوارم / بشکند قیمت خاتم چو نگین برخیزد
- ۴) هیچ است گنج عالم اگر هست دل غنی / دل چون توانگر است به دنیا چه حاجت است

۲۱- بیت «بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه» با همی ابیات به جز بیت .....  
تناسب دارد. (سراسری، زبان ۸۹)

- ۱) گرچه در چشم تو مقدار ندارم لیکن / اینقدر هست که درویش سر کوی توام
- ۲) گر بر ندارم از سر زلف تو دست شوق / عییم مکن که تازه به دولت رسیده‌ایم
- ۳) گر نشاید به دوست ره بردن / شرط یاری است در طلب مردن
- ۴) گر دست رسد که آستینش گیرم / ورنه بروم بر آستانش میرم

۲۲- مضمون عبارت «هر چه عاشق در رازداری بکوشد، باز نگاه دو دیده‌اش از سر ضمیر خبر می‌دهد» با کدام بیت تناسب بیش‌تری دارد؟ (سراسری، زبان ۸۹)

- ۱) تو را صبا و مرا آب دیده شد غمّاز / وگر نه عاشق و معشوق رازدارانند
- ۲) گفتم به دلق زرق بیوشم نشان عشق / غمّاز بود اشک و عیان کرد راز من
- ۳) اشک غمّاز من ار سرخ برآمد چه عجب؟ / خجل از کرده‌ی خود پرده‌ری نیست که نیست
- ۴) مستوری و عاشقی به هم ناید راست / گر پرده نخواهی که درد دیده بدوز

۲۳- مفهوم بیت «صبح امید که بد معتکف پرده‌ی غیب / گو برون آی که کار شب تار آخر شد» با کدام بیت تناسب دارد؟ (آزار ۷۸)

- ۱) امید بسته آمد، ولی چه فایده ز آنک / امید نیست که عمر گذشته باز آید
- ۲) امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان
- ۳) حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم / خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
- ۴) بعد نومیدی بسی امیدهاست / از پس ظلمت، دوصد خورشیدهاست

۲۴- بیت «اگر در دیده‌ی مجنون نشینی / به غیر از خوبی لیلی نبینی» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (آزار ۸۱)

- ۱) من عاشقم و دلم بدو گشته تباه / عاشق نبود ز عیب معشوق آگاه
- ۲) همه مهری ز نادیدن بکاهد / اگر دیده نبیند دل نخواهد
- ۳) چو بر دل چیره گردد مهر جانان / به از دوری نباشد هیچ درمان
- ۴) ظاهر بینان که دم زند از یاری / زنهار که یار خویششان شمار ی

۲۵- مفهوم بیت «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بیسندید باید ناپسند» را در کدام گزینه می‌یابید؟ (آزار ۸۳)

- ۱) جمال کعبه چنان می‌کشاندم به نشاط / که خارهای مغیلان حریر می‌آید
- ۲) عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- ۳) چه دارد جهان جز دل و مهر یار / مگر توده‌هایی ز پندارها
- ۴) یک رنگی و بوی تازه از عشق بگیر / پرسوزترین گدازه از عشق بگیر

(تعاونی سنهش، ۸۶-۸۵)

۲۶- همه‌ی ابیات به‌جز بیت .....، با بیت زیر، ارتباط معنایی دارند.

«آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویش / وان سر وصل تو دارد که نباشد غم جانش»

- ۱) گر نخفتد عاشقی جز در کفن / عاشقش گویم ولی بر خویشتن
- ۲) وصال جان جهان یافتن حرامش باد / که التفات بود بر جهان و بر جانش
- ۳) در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
- ۴) سعیا هر که ندارد سر جان افشانی / مرد آن نیست که در حلقه‌ی عشاق آید

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

۲۷- همه‌ی بیت‌های زیر، به‌غیر از بیت .....، با یک‌دیگر ارتباط معنایی دارند.

- ۱) نه همین می‌رمد آن نوگل خندان از من / می‌کشد خار در این بادیه دامان از من
- ۲) با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که «شهیدان که اند این همه گلگون کفنان؟»
- ۳) لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون / خاک مستوره‌ی قلب بشر آورده برون
- ۴) یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک / هر جا که در آغوش صبا غنچه‌ی وردی است

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

۲۸- در کدام بیت مفهوم واژه‌ی «غم» با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گرنه کاشانه‌ی دل خلوت خاص غم توست / پس چرا مهر تو را بر در این خانه زدند
- ۲) عاشق روی جوانی خوش و نوخاسته‌ام / وز خدا دولت این غم به دعا خواسته‌ام
- ۳) غیر غم حاصل ندیدم ز آشنایی‌های تو / وین غم دیگر که از بیگانگان می‌دانیم
- ۴) ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق / برو ای خواجه‌ی عاقل هنری بهتر از این

۲۹- مفهوم بیت «دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت» با کدام

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

بیت متناسب نیست؟

- ۱) عشق او باز اندرآوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- ۲) توسنی کردم ندانستم همی / کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند
- ۳) گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم
- ۴) او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

۳۰- مفهوم بیت «از پی هر شکست پیروزی است / از دل شب، سپیده می‌آید» از همه‌ی ابیات به‌جز بیت .....

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

دریافت می‌شود.

- ۱) شاد بدانم که چو بندد دری / ایزدمان بازگشاید دگر
- ۲) چو دست می‌دهد امروز کشتی / بکن کز وی به فردا در بهشتی
- ۳) آن چه دیدی برقرار خود نماند / و آن چه بینی هم نماند برقرار
- ۴) از آن زمان که فکند چرخ را بنیاد / دری نیست زمانه که دیگری نگشاد

## پاسخ تحلیلی آزمون اول (ادبیات عاشقانه)

۱- شاعر می‌گوید که اگر یارم بخواهد مرا به‌زاری بکشد، غمی نیست؛ جانم را تقدیم او خواهم کرد؛ اما تنها ناراحتی من این خواهد بود که نکند از من اشتباهی سرزده‌است که باعث آزرده‌گی خاطر یارم شده‌است ← عاشق تسلیم معشوق است و برایش تنها رضایت او مهم است (نزدیک به مفهوم ۲۷) مطمئناً در میان این گزینه‌ها، **گزینه‌ی سوم** از همه مناسب‌تر است.

۲- **مفهوم محوری‌تست: جمع‌نشدن عشق و شکیبایی (مفهوم ۲۲)**

معنای گزینه‌ی دوم: آزموده‌ایم و می‌دانیم که با صبوری، کارهای بسته، گشاده می‌شود ← **گزینه‌ی دوم**

۳- **مفهوم محوری‌تست: دشواری‌های راه عشق؛ عشق کار هر کسی نیست (مفهوم ۱۶)**

می‌بینیم که در بیت اول، شاعر برخلاف دیگران، هر سختی و بلائی را به جان می‌خرد و در بیت چهارم هم از یار به خاطر جفاهایش، سپاسگزار است! (مفهوم ۳۰)

معنای بیت دوم: به جان تو سوگند که حتی دشمنان هم به این راضی نیستند که تو در به روی من - که آشنای توام - ببندی (شاعر از معشوق انتظار دارد که او را به حریم خود راه دهد) ← **گزینه‌ی دوم**

معنای بیت سوم: کسی که در تمام عمر، پشت درِ سرای یاری ننشسته‌باشد و از شدت غم و اندوه سرش را بر در معشوق نکوبیده‌باشد، چه می‌داند که عشق چیست؟ (پس عشق با رنج و مصیبت همراه است.)

۴- **مفهوم محوری‌تست: حسرت بر گذشته‌ها (و دل‌بستگی به زادگاه)؛ اما در گزینه‌ی اول شاعر می‌گوید که دوران شوم و ملال‌انگیز به پایان رسیده‌است.**

۵- **مفهوم محوری‌تست: غم‌پرستی (مفهوم ۳۲) ← گزینه‌ی اول**

۶- **مفهوم محوری‌تست: جان‌فشانی (مفهوم ۳۵)**

شاعر در بیت اول می‌گوید که جانم فدای شکر شیرین شورانگیز یار، یعنی جانم فدای لب شیرین او؛ قبول دارید که در این‌جا در واقع دارد لب یارش را تحسین می‌کند و نهایت آرزومندی خود را برای رسیدن به یار نشان می‌دهد، اما قصد جان‌فشانی ندارد ← **گزینه‌ی سوم** مناسب‌تر است.

(راستی؛ بیت «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک» با کدام گزینه‌ی این تست تناسب مفهومی دارد؟<sup>۱</sup>)

## ۷- مفهوم محوری تست: یگانگی معشوق (مفهوم ۴۰) ← گزینه‌ی دوم

در بیت سوم، شاعر می‌گوید که باد صبا با دیدن قد و قامت او، همه‌ی سروها را ریشه‌کن کرد ← او از سروها خوش‌قد و قامت‌تر است. (مفهوم بیت آخر را که به یاد دارید؟ بله، همان مفهوم ۴۸ ادبیات عرفانی است.)

۸- معنای بیت: من مانند شاخه‌ی تشنه‌ای هستم در فصل بهار و تو مانند هوای ابری و بارانی؛ پس عاشق از دوری معشوق در رنج و عذاب است اما امیدوار است که باران محبت معشوق بر او ببارد و نیاز او را برآورده سازد؛ بنابراین معشوق خود را بی‌وفا نمی‌داند، بلکه تنها از دوری او در عذاب است ← آفرین بر شما به خاطر انتخاب گزینه‌ی سوم؛ به عنوان جایزه قسمتی کوتاه از شعر زیبای «من و تو، درخت و بارون»، سروده‌ی احمد شاملو را- که با این بیت نزدیکی زیادی دارد- با هم می‌خوانیم:

من باهارم، تو زمین  
من زمینم، تو درخت  
من درختم، تو باهار  
ناز انگشتای بارون تو، باغم می‌کنه  
میون جنگلا طاقم می‌کنه!

## ۹- مفهوم محوری تست: عشق در حد فهم همگان نیست (مفهوم ۱۱)

معنای بیت اول: کرمی که همین حالا در تنه‌ی یک درخت به‌وجود آمده‌است فهمی از گذشته‌ی درخت ندارد. معنای بیت دوم: برای من کافی است که وجودم پر از عشق گل (معشوق) باشد زیرا من در طلب چیزی به‌جز گل (معشوق) نیستم.

معنای بیت سوم: بلبل می‌تواند نهایتاً عاشق گلی بشود و تاب و توان سیمرخ در وجود او نیست. معنای بیت چهارم: پشه‌ای که در تابستان به‌دنیا می‌آید و در زمستان می‌میرد چه درکی از باغ و سرگذشت آن می‌تواند داشته‌باشد.

همان‌طور که می‌بینید بیت‌های اول، سوم و چهارم هر کدام به نوعی به ناتوانی و محدودیت درک و فهم اشاره دارند اما ماجرای بیت دوم چیز دیگری است ← آفرین بر شما که گزینه‌ی دوم را انتخاب کرده‌اید!

## ۱۰- مفهوم محوری تست: عشق پنهان‌کردنی نیست. (مفهوم ۱۳) ← گزینه‌ی چهارم

## ۱۱- مفهوم محوری تست: حال عاشق را تنها عاشق می‌فهمد و بس.

معنای بیت سوم: فرد ناپخته‌ای که در این دنیا آتش عشق را به جان نخریده‌باشد، فردا گرفتار آتش دوزخ خواهد شد ← گزینه‌ی سوم (آیا «ی» در پایان «خامی» نشانه‌ی نکره است؟ بین «و» و «)» باید درنگ بیاید یا کسره؟)



۱۲- مفهوم محوری تست: **رهایی‌ناپذیری عشق** (مفهوم ۷) ← **گزینه‌ی چهارم**

۱۳- مفهوم محوری تست: **محو تماشای یار** (مفهوم ۴۶) ← **گزینه‌ی دوم**

شاعر در بیت سوم می‌گوید: برای آن که گوشه‌ای از زیبایی‌های او را وصف کنم باید تمام وجودم زبان شود و در بیت چهارم هم می‌گوید که عشق باعث شده که من سر از پا نشناسم. (گول که نخوردید؟)

۱۴- مفهوم محوری تست: **عاشقان هرگز نمی‌میرند** (مفهوم ۵) ← **گزینه‌ی چهارم**

۱۵- مفهوم محوری تست: **نازکردن معشوق در عین نیاز به عاشق** (تست ۷۰)

این مفهوم در بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی دوم دقیقاً دیده می‌شود. در بیت‌های اول و سوم بیش‌تر بی‌وفایی معشوق پس از دل‌بردن از عاشق (مفهوم ۱۷) مطرح است که البته با مفهوم بیت صورت سؤال بی‌ربط نیست. در بیت چهارم فقط نیاز عاشقان به معشوق مطرح شده است و از نازکردن یا بی‌وفایی معشوق خوشبختانه خبری نیست! (گزینه‌ی چهارم)

۱۶- مفهوم محوری تست: **رهایی‌ناپذیری و چیرگی عشق** (مفهوم ۷) ← **گزینه‌ی چهارم**

۱۷- مفهوم محوری تست: **سختی‌های عشق و رنج هجران** (نزدیک به مفهوم ۱۶)

در **گزینه‌ی دوم** شاعر از یار سنگ‌دل خود شکایت دارد که فقط به بدبختی‌های او خندیده و تا هنگام پیری نیز به او روی خوش نشان نداده تا عاشق احساس خوش‌بختی کند. همان‌طور که می‌بینید شکایت شاعر در این بیت از رفتار معشوق است نه سختی‌های عشق یا هجران. (در مصراع دوم بیت چهارم، «به وصال» یعنی چه؟<sup>۱</sup>)

۱۸- مفهوم محوری تست: **پایان‌ناپذیری عشق** (مفهوم ۶) ← **گزینه‌ی دوم**

در گزینه‌ی دوم رهایی‌ناپذیری عشق (مفهوم ۷) مطرح شده است.

۱۹- مفهوم محوری تست: **عشق و رسوایی** (مفهوم ۱۴) ← **گزینه‌ی اول**

۲۰- مفهوم بیت صورت سؤال این است که «ذات هر چیز اهمیت دارد نه ظاهر آن» هم‌چنان‌که لعل ذاتاً ارزشمند است و اگر مهر سلطان یا خزانه نیز روی آن حک نشده باشد ارزشش از دست نمی‌رود. در بیت‌های اول و دوم مضمون بی‌نیازی روی زیبا از آرایش و زیور (مفهوم ۳۹) مطرح شده است که به‌نوعی هم‌راستا با همین مفهوم است. گزینه‌ی چهارم نیز بی‌ربط به این مفهوم نیست زیرا توانگری واقعی را در درون انسان جست‌وجو می‌کند و به ظاهر توجهی ندارد؛ اما گزینه‌ی سوم حدوداً مضمونی متضاد با بیت صورت سؤال دارد و می‌گوید، خاتم (انگشتر) به ذات خود چندان ارزشمند نیست و قیمت آن در گرو نگیش است نه خودش. (همان‌طور که می‌بینید چهار بیت دیگر کاملاً هم‌مفهوم نیستند اما بیت **گزینه‌ی سوم** کاملاً بی‌ربط یا حتی متضاد

۱- مطمئنم که خودتان به پاسخ رسیده‌اید؛ بله یعنی «سوگند به وصال تو».

بیت صورت سؤال است که بر همین اساس می‌شود به نظر طراح پی‌برد و گزینه‌ی درست را برگزید.

### ۲۱- مفهوم محوری‌تست: عشق دورادور (مفهوم ۴۳)

در بیت گزینه‌ی نخست حدوداً این مفهوم دیده‌می‌شود. در بیت سوم و چهارم نیز عاشق، حتی اگر به یار نرسد، تا دم مرگ دست از عشق او نمی‌کشد که می‌توان نتیجه گرفت که به همین عشق دورادور خود با معشوق دل‌خوش است؛ اما در بیت **گزینه‌ی دوم** با عاشق کامروای خوش‌اقبال روبه‌رو هستیم که به وصال یار رسیده‌است و به این زودی‌ها هم نمی‌خواهد دست از سر معشوق بردارد!

۲۲- در هر چهار بیت مفهوم پنهان ناکردنی بودن عشق (مفهوم ۱۳) مطرح‌شده‌است؛ پس باید ببینیم که مضمون عبارت صورت سؤال با کدام بیت تناسب بیش‌تری دارد. در سه بیت اول، این اشک عاشق است که راز او را برملا می‌کند اما در بیت چهارم **دیده‌ی عاشق** افشاگر راز عشق است هم‌چنان‌که در عبارت صورت سؤال.

### ۲۳- مفهوم محوری‌تست: امیدواری (نزدیک به مفهوم ۲۵) ← گزینه‌ی چهارم

### ۲۴- مفهوم محوری‌تست: عیب‌پوشی عاشقانه (مفهوم ۳۷) ← گزینه‌ی اول

### ۲۵- مفهوم محوری‌تست: صبر و استقامت در راه عشق (مفهوم ۲۳) ← گزینه‌ی اول

### ۲۶- مفهوم محوری‌تست: عاشق در پی خواسته‌های خود نیست (مفهوم ۲۶) و جان‌فشانی (مفهوم ۳۵) ← گزینه‌ی سوم

۲۷- در بیت‌های سوم و چهارم، مضمون **روییدن گل بر مزار عاشقان یا شهیدان** (مفهوم ۴۹) دیده‌می‌شود. در بیت دوم، در واقع شاعر لاله‌ها را به شهیدان یا به عاشقان خونین‌کفن مانند کرده‌است که همان مضمون قبلی نیست اما نسبت به بیت **گزینه‌ی نخست** بسیار به آن نزدیک‌تر است.

معنای بیت نخست: نه تنها نوگل خندان باغ عشق (معشوق زیبایم) از من روگردان است بلکه حتی خارهای بیابان فراق نیز از من دوری می‌گزینند! (هیچ‌کس با من سر یاری و همراهی ندارد).

### ۲۸- مفهوم محوری‌تست: غم‌پرستی (مفهوم ۳۲) ← گزینه‌ی سوم

### ۲۹- مفهوم محوری‌تست: رهایی‌ناپذیری عشق (مفهوم ۷)

این مفهوم آشکارا در بیت‌های اول و دوم مطرح‌شده‌است. مفهوم بیت سوم این است که شور و اشتیاق عشق هرگز فروکش نمی‌کند (پایان‌ناپذیری عشق) و در بیت چهارم شاعر می‌گوید که عاشق با پای خودش به دام عشق درمی‌آید. خُب، بین این دو گزینه کدام یک از مفهوم بیت صورت سؤال دورتر است؟ مطمئناً **بیت گزینه‌ی چهارم** (دقت کنید که در بیت صورت سؤال این معشوق است که دل عاشقان را صید کرده‌است اما در بیت چهارم ...)

۳۰- در بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ مفهوم امید به آینده (نزدیک به مفهوم ۲۵) دیده‌می‌شود درحالی‌که بیت **گزینه‌ی سوم** از ناپایداری دنیا سخن می‌گوید. (در بیت دوم «کشتی بکن = چیزی بکار» را درست خواندید؟ بیت‌های اول و چهارم، شما را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟)

خُب، چه‌طور بود؟ کمی سخت بود؟ قبول دارم. به هر حال اگر درصد پاسخ‌گویی‌تان بالاتر از ۵۵ بوده‌باشد، وضعیتتان قابل‌قبول است و احتمالاً در آزمون‌های بعدی موفق‌تر خواهید بود؛ پس با امید به آینده به پیش!